

بخش دوم

پونديهوديان

با فرهنگ ايران زمين



پروفسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

گفت و گوی بیست و هشتم

گشایش مدارس آلیانس در ایران، موجب دگرگونی وضع یهودیان گردید



شماری از یهودیان تهران در دوران گشایش مدارس آلیانس (اتحاد) در ایران

پرسش - پروفسور نتصر، با کمک شما راه درازی را پیمودیم و پیشینه فرهنگی یهودیان ایران را در طول دو هزار و هفتصد سال گام به گام و مرحله به مرحله طی کردیم. به یاری شما با شماری از شاعران یهودی ایران آشنا شدیم، مطالبی درباره اندیشمندان و حکیمان یهودی ایران شنیدیم و حتی توسط شما آگاه شدیم که در دورانی از تاریخ ایران، شهبانوهای یهودی و وزیران یهودی نیز وجود داشته اند. اکنون از شما تقاضا داریم از نظر زمانی یک گام جلوتر بیایید و از رویدادی در اواخر قرن نوزدهم سخن بگوئید که نه تنها زندگی یهودیان ایران را دگرگون کرد، بلکه برای فرهنگ و جامعه ایرانی نیز یک رویداد بنیادین بود و آن گشایش مدارس آلیانس در ایران است که بعدها نام آن به "اتحاد" تغییر یافت.

پاسخ - به عنوان پیش درآمد این سخن، باید بگویم که سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا از سال ۱۸۷۳ آغاز گردید و تا سال ۱۸۹۶ که به قتل رسید سه بار انجام شد. درست است که

این سفرها برای خزانه ملت ایران گران تمام شد، ولی سودهای جانبی نیز داشت. مثلاً موافقت ناصرالدین شاه با برپائی شورای وزیران، که بعدها مقدمه ای برای برپائی مجلس شورای ملی ایران گردید، یکی از پیامدهای این سفرها بود.

البته این مبحثی است که به طور جداگانه باید مورد بررسی تاریخی قرار گیرد و با سرگذشت یهودیان ایران ارتباط مستقیم ندارد - ولی ، ناصرالدین شاه توانست تا اندازه ای زمینه را برای الغای شماری از قوانینی که برای یهودیان بسیار ناگوار بود آماده سازد و از جمله قانون ارث و مطالب دیگری که به موقع خود درباره آن ها بیشتر سخن خواهیم گفت.

از نظر تاریخ یهودیان ایران، بزرگترین رویداد در آن ایام دیدار سران سازمان یهودی فرانسوی آلیانس با ناصرالدین شاه بود که وضع ناگوار یهودیان ایرانیان را برایش تشریح کردند و از او درخواست شد که به آلیانس اجازه دهد، همان گونه که در بسیاری از کشورهای عرب و خاورمیانه و شمال آفریقا فعالیت می کند، در ایران نیز یک رشته مدارس ابتدائی و متوسطه برای دانش آموزان یهودی برپا سازد.

پرسش - پوزش می طلبم، توضیح مختصری بدهید که آلیانس چه بود، چگونه و با چه هدف هائی برپا شد؟

پاسخ - در اواسط قرن نوزدهم بود که در دمشق به یهودیان حمله بردند و بسیاری از آنان را کشتند که دخالت دولت های غربی و یهودیان فرانسه را به دنبال آورد. پس از این رویداد خونین بود که گروهی از سران جامعه یهودیان فرانسه و نیکوکاران آن جامعه به گفتگو نشستند و تصمیم گرفتند که برای کمک به یهودیان کشورهایائی که زیر ستم قرار دارند و با خطر روبرو هستند و هنوز رژیم آن سرزمین ها به درجه دموکراسی نرسیده اند، نهادی برپا شود که بتواند وظائف مختلفی را انجام دهد که یکی از آن ها ترویج دانش و سوادآموزی در میان یهودیان پاره ای از کشورها بود.

فعالیت فرهنگی آلیانس در جهان عملاً از سال ۱۸۶۰ آغاز گردید و این سازمان با نام Alliance Israélite Universelle با مفهوم "اتحاد یهودی جهانی" به عنوان نخستین رشته فعالیت خود به برپائی یک رشته مدارس در کشورهای اروپای شرقی و شمال آفریقا پرداخت و از جمله در مصر و ترکیه و مراکش چنین مدارسی برپا کرد.

پرسش - و اکنون بفرمائید که مدارس آلیانس چگونه به ایران رسید.

پاسخ - نخستین باری که این جریان به گوش ناصرالدین شاه رسید و پادشاه ایران از آن آگاه شد، در همان دیدار وی در پاریس با سران جامعه یهودیان فرانسه در سال ۱۸۷۳ بود. آن ها تعریف کردند که وضع یهودیان ایران تا چه حد ناگوار است و آنان به کمک نیاز دارند. در همین دیدار بود که سران آلیانس از پادشاه ایران درخواست کردند که آن اجازه تاسیس مدارس آلیانس در ایران نیز داده شود.

پادشاه ایران و صدراعظم او این درخواست را پذیرفتند و توافق شد که دانش آموزان این مدارس نه تنها فرزندان جامعه یهودیان ایران باشند، که بعداً بتوانند به وطن خویش خدمت

کنند، بلکه دانش آموزان مسلمان نیز بتوانند بدون هیچ تمایزی در این مدارس به تحصیل دانش بپردازند.

شوربختانه اجرای این هدف، یعنی برپائی رشته مدارس آلیانس در ایران از سال ۱۸۷۳ که مسیو آدولف کرومیو [Adolphe Crémieux](#) رئیس آلیانس و بزرگان جامعه یهودیان فرانسه به حضور ناصرالدین شاه رسیدند و موافقت او را گرفتند، حدود ۲۵ سال به درازا کشید. نخستین مدرسه آلیانس که در ایران برپا گردید، و آن هم در تهران بود، دو سال پس از قتل ناصرالدین شاه یعنی در سال ۱۸۹۸ گشایش یافت.

پرسش - ولی بالاخره مدارس آلیانس در چندین شهر دیگر ایران نیز یکی پس از دیگری گشایش یافت و در این جا می خواهم بدانم که مدرسه آلیانس در مقایسه با مدارس دیگری که در آن سال ها در ایران برپا گردید چه تفاوت ها و ویژگی هائی داشت؟

پاسخ - تا آن هنگام کودکان یهودی به مکتب خانه می رفتند. مدرسین این مکتب ها ملا بودند و باور من آن است که مکتب خانه های مسلمان از بسیاری جهات از مکتب خانه های یهودی پیشرفته تر بودند.

در دوران هائی از تاریخ ایران، یهودیان در وضع بسیار بدی قرار داشتند و در سرآشوب اضمحلال گام بر می داشتند و این واقعیت تلخ به ویژه در دوران خاندان قاجار محسوس تر بود.

مدارس مسلمانی در ایران بسیار پیشرفته تر از مکتب خانه یهودی بود. مدرسه ای چون دارالفنون که امیرکبیر آن را برپاساخت خود یک دانشگاه بود و دانشمندان اروپائی در آن به تدریس می پرداختند. مدارس دینی مسلمانان نیز نسبتاً پیشرفته بود. در قم و اصفهان و شهرهای دیگر طلبه موضوع های بسیار پیچیده و سطح بالائی را می آموختند که یهودیان از داشتن این نوع نهادها محروم بودند.

همان گونه که گفتم، اگر به مقایسه بین مدارس یهودی و مسلمان در آن دوران بپردازیم، با قاطعیت باید گفت که مدارس یهودی به ناچار در سطح پائینی قرار داشتند که این خود نتیجه مستقیم رویدادهای دردناکی است که بر سر جامعه یهودیان ایران در طول قرن ها و اعصار وارد آمده بود که در دوره صفویه و قاجار به اوج رسید.

نکته دیگری که باید اضافه کنم آن است که با وجود آن که مدارس مسلمان پیشرفته تر بودند، و در این شکی نیست، می توان گفت که بسیاری از علوم غیرمذهبی از قبیل فیزیک و شیمی و جبر و ریاضیات و خیلی چیزهای دیگر به صورت گسترده در مکتب خانه ها و مدارس مسلمانی تدریس نمی شد. نمی خواهم بگویم اصلاً تدریس نمی شد، بلکه به آن صورت که در اروپا معمول بود تدریس نمی گردید.

پرسش - آیا صدسال پیش که برای نخستین بار مدرسه آلیانس در تهران برپا شد، مدارس غیرمذهبی ایرانی که جبر و ریاضیات و علوم دیگر را نیز تدریس می کردند، در چه سطح فرهنگی در ایران قرار داشتند؟

پاسخ - در مورد مدارس غیرمذهبی من اطلاعات کافی ندارم ولی فکر می‌کنم که جز دارالفنون و یکی دو مدرسه دیگر، یکی متعلق به میسیونرهای مسیحی که در قرن نوزدهم افتتاح گردید، من مدرسه های دیگری را نمی‌شناسم که کاملاً و تماماً مدرسه غیرمذهبی باشند و قرآن و شرعیات و امور مذهبی در آن تدریس نشود.

پرسش - پس ویژگی مدارس آلیانس در چه بود؟

پاسخ - ویژگی آن ها در این بود که برخلاف مدارس میسیونری که در امور تبلیغاتی مسیحی نیز فعال بودند، و تلاش می‌کردند که شاگردان آن مدارس را به مسیحیت بکشانند، و این امر جزو یکی از برنامه های درسی این مدارس بود، آلیانس منحصراً دروس لائیک و غیرمذهبی تدریس می‌کرد و از هرگونه تبلیغات مذهبی یهودی به دور بود.

پرسش - شاید یکی از علل آن باشد که دین یهود اصولاً یکی دین تبلیغی نیست.

پاسخ - بله یهودیت از تبلیغات مذهبی به دور است. به هر حال در مدارس آلیانس نیز امور یهودی تدریس نمی‌شد. از آن جا که مدیران آلیانس افرادی بودند که از فرانسه آمده و در خود آن کشور تحصیل کرده بودند، همان شیوه های پیشرفته تدریس و تحصیل در کشور مترقی و متمدنی چون فرانسه را با خود آوردند و در ایران پیاده کردند.

البته ایران آن دوره از بسیاری جهات و مخصوصاً آموزش و پرورش به پای فرانسه نمی‌رسید. همان گونه که گفتیم نخستین مدرسه آلیانس در ایران، در تهران گشایش یافت و درهای آن نه تنها برای تحصیل دانش آموزان یهودی گشوده شد، بلکه به روی دانش آموزان مسلمان نیز به طور یک سان باز بود.

جالب آن که فرزندان رجال ایران و سرشناسان حکومت نیز برای کسب دانش به مدرسه یهودی آلیانس فرستاده می‌شدند. بعدها از میان همین دانش آموزان، شماری از شخصیت های برجسته سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران به پا خاستند و با تلاش خویش توانستند موجب پیشرفت ایران زمین گردند.

پرسش - منظور شما آن است که چون این مدارس کاملاً غیرمذهبی بود، یعنی جنبه یهودی نداشت و علوم مدرن را نیز به شیوه های نوین تدریس می‌کرد، مورد استقبال همگان قرار گرفت؟

پاسخ - مدارس آلیانس جنبه یهودی نیز داشت، ولی از شیوه های میسیونری و تبلیغی دینی به دور بود. به عنوان مثال در دوره ای، زبان عبری هم در مدارس آلیانس تدریس می‌شد که دانش آموزان مسلمان از آن معاف بودند.

یکی از ملاحای قدیمی که در اولین مدرسه آلیانس که در تهران تاسیس شد به تدریس پرداخت، شادروان ملا حیم موریه یهودی بود. او گرچه از دو چشم نابینا بود، ولی فرانسه را خیلی خوب آموخته بود و فارسی را در سطح بالا می‌دانست و بر علوم دینی مسلط بود و عبری را نیز فراگرفته بود. چنین فرد افسانه ای، یکی از نخستین معلمان مدرسه آلیانس در تهران بود.

ولی در آن دوران نخستین، بیشتر درس‌ها به زبان فرانسه تدریس می‌شد. این وضع تا دوره رضا شاه ادامه یافت که در یکی از گفت‌وگوهای آینده درباره آن توضیح بیشتری خواهیم داد.

در مجموع باید گفت که قرن بیستم با سه چهارم پدیده مهم برای یهودیان ایران آغاز گردید: یکی از رویدادهای سرنوشت‌ساز، همین تاسیس مدارس آلیانس بود، که کوتاه مدتی پس از آن که در تهران گشوده شد، در اصفهان و شیراز و سنندج و همدان تا سال ۱۹۰۴ یکی پس از دیگری برپا گردید و پس از آن در یزد و کاشان نیز تاسیس شد و شعبه‌هایی نیز در کرمانشاه و تویسرکان و بروجرد و گلپایگان و نهاوند دایر گردید.

این مدارس، در واقع یهودیان ایران را در ظرف مدت کوتاهی از یک دوره قرون وسطائی وارد قرن بیستم ساخت که این را باید به شکرانه فعالیت‌های آلیانس گذاشت و از بانیان و دست‌اندرکاران آن سپاسگزاری کرد.